



سرمایه‌گذاری در تولید کشاورزی

فروردین ۱۴۰۴

نامگذاری سال ۱۴۰۴ با عنوان «سرمایه‌گذاری برای تولید»، توسط مقام معظم رهبری، نشان دهنده تاکید ایشان بر اهمیت سرمایه‌گذاری در راستای دستیابی به توسعه و رشد اقتصاد ملی است. با نگاهی به منویات سالیان گذشته ایشان می‌توان بر این نکته تاکید نمود که دستیابی به امنیت غذایی و توسعه پایدار از جمله دغدغه‌های ایشان بوده است از این رو توجه به شعار سال در بخش کشاورزی به عنوان تقویت کننده امنیت غذایی و تامین مواد خام در راستای دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در سال جدید از اهمیت ویژه‌ای برخوردار خواهد بود. بخش کشاورزی به عنوان یکی از ستون‌های اصلی تولید و تأمین مواد غذایی، همواره در کانون سیاست‌های توسعه قرار داشته و سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌تواند منجر به افزایش بهره‌وری، تقویت تولید داخلی و ایجاد اشتغال پایدار در بخش کشاورزی گردد. این نامگذاری، همزمان با تأکید بر اهمیت تولید ملی، فرصتی است برای بازنگری در راهکارهای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری بهینه از منابع طبیعی، به‌ویژه در عرصه کشاورزی، تا از پتانسیل‌های این بخش به نحو مطلوب بهره‌برداری گردد. به بهانه نامگذاری سال ۱۴۰۴ بنام "سرمایه‌گذاری برای تولید"، خالی از لطف نخواهد بود که وضعیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی مورد بررسی قرار گیرد. برای این مهم، ابتدا نیاز است مفهوم موجودی سرمایه، سرمایه‌گذاری و استهلاك تعريف گردد.

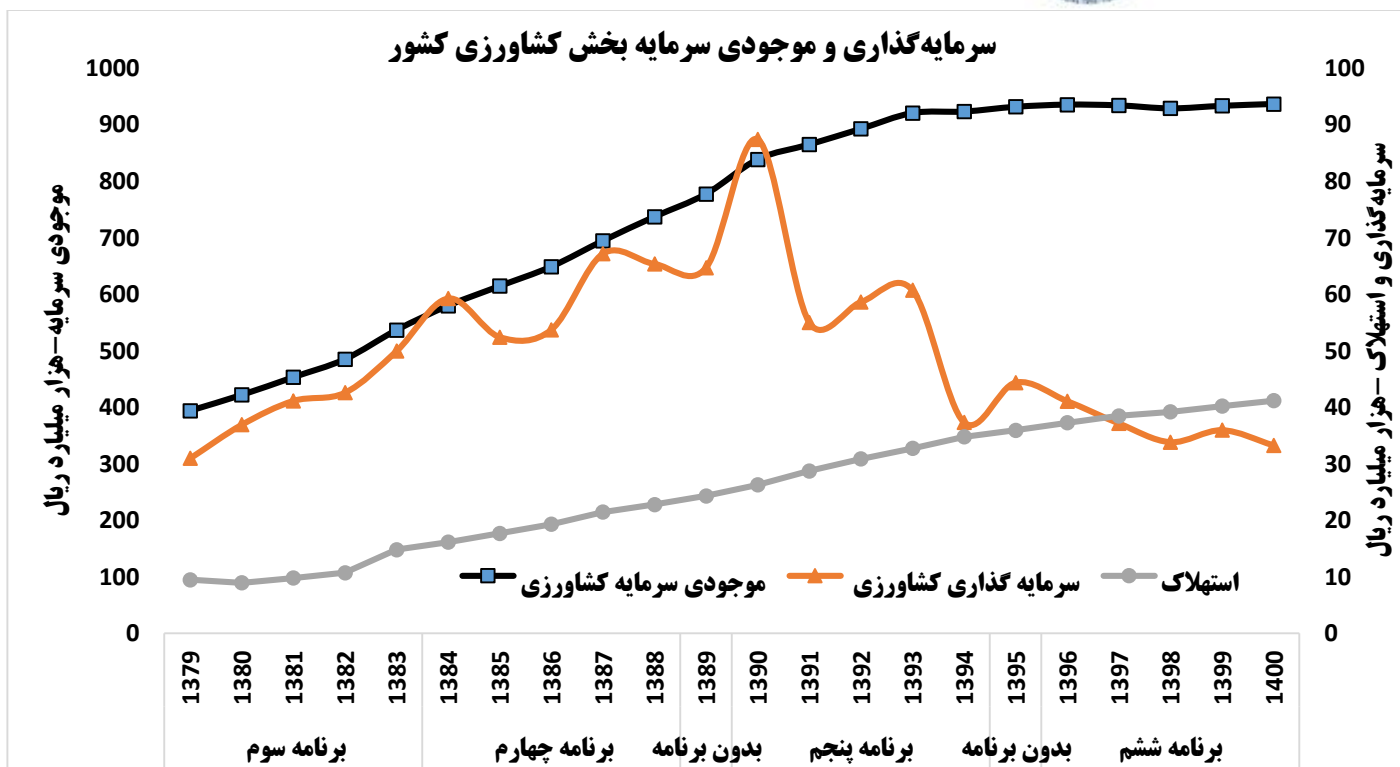
سرمایه‌گذاری به تغییر و افزایش در نهاده ثابت گفته می‌شود؛ به عبارتی، تخصیص منابع مالی به منظور خرید یا به‌روزرسانی دارایی‌های فیزیکی با عمر مفید یک‌ساله یا بیشتر (مانند زمین، ماشین‌آلات، تجهیزات، ساختمان‌ها، درختان چندساله و حتی دام زنده) که در روند تولید کالاها و خدمات به کار می‌روند. موجودی سرمایه نیز به مجموع این دارایی‌های فیزیکی اطلاق می‌شود که از طریق سرمایه‌گذاری‌های مکرر در طول زمان انباشته و به عنوان زیرساخت اصلی در تولید و ایجاد ارزش اقتصادی به کار گرفته می‌شوند. این دو مفهوم در کنار استهلاك (کاهش ارزش دارایی‌های ثابت به دلیل استفاده، فرسودگی یا گذر زمان)، اجزای اصلی مفهوم سرمایه‌گذاری در تولید را بیان می‌کنند.

بررسی وضعیت موجودی سرمایه، سرمایه‌گذاری و استهلاك بخش کشاورزی طی برنامه سوم تا ششم توسعه (دو دهه) به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ حاکی از این است که موجودی سرمایه بخش کشاورزی کشور از ۳۹۴ هزار میلیارد سال ۱۳۷۹ به ۹۲۱ هزار میلیارد در سال ۱۳۹۳ با نرخ رشد سالانه ۹/۶ درصد افزایش یافته و از سال ۱۳۹۳ تا سال ۱۴۰۰ به مقدار ۹۳۷ هزار میلیارد رسیده که رشد سالانه ۰/۲ درصدی را تجربه کرده که اختلاف نرخ رشد موجودی سرمایه قبل و بعد از سال ۱۳۹۳ کاملاً مشهود است. وضعیت سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی نیز روند مشابهی را تجربه کرده بطوریکه سرمایه‌گذاری بخش کشاورزی از ۳۱ هزار میلیارد ریال سال ۱۳۷۹ به ۸۷/۴ هزار میلیارد سال ۱۳۹۰ افزایش یافته و بعد از سال ۱۳۹۰ با شروع روند نزولی آن به ۳۳/۳ هزار میلیارد سال ۱۴۰۰ رسیده است که عددی هم تراز با مقدار سرمایه‌گذاری در سال ۱۳۷۹ می‌باشد. روند استهلاك سرمایه بخش کشاورزی نیز روند همواره صعودی بوده به طوریکه از ۹/۵ هزار میلیارد سال ۱۳۷۹ شروع شده و به ۴۱/۲ هزار میلیارد سال ۱۴۰۰ ختم شده است. نکته قابل توجه، پیشی گرفتن مقدار استهلاك از مقدار سرمایه‌گذاری از سال ۱۳۹۷ به بعد است.

دلایل کاهش سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی ناشی از ترکیبی از عوامل اقتصادی، سیاستی و ساختاری است که به‌طور خلاصه به شرح زیر می‌توان بیان کرد:



- ریسک بالای سرمایه‌گذاری: وابستگی به شرایط آب و هوایی و اقلیمی باعث می‌شود که بازدهی تولید در کشاورزی بسیار نامطمئن باشد. این ریسک‌های طبیعی باعث می‌شود سرمایه‌گذاران، به‌خصوص فعالان بخش خصوصی، از ورود به این حوزه دچار تردید شوند.
 - سرکوب قیمت‌ها و عدم تضمین سوددهی: سیاست‌های دولت مبنی بر سرکوب قیمت محصولات کشاورزی، به‌عنوان مثالی از سیاست‌های حمایتی نادرست، منجر به کاهش درآمد واقعی کشاورزان شده و به تبع آن سودآوری سرمایه‌گذاری در این بخش را تضعیف می‌کند. این امر موجب می‌شود سرمایه‌گذاران به دنبال فعالیت‌های اقتصادی با بازدهی بالاتر بروند.
 - موانع ساختاری: وجود مجموعه‌ای از موانع اداری و قانونی از جمله فرآیندهای پیچیده اخذ مجوزها و تعامل نامناسب میان نهادهای مختلف، هزینه‌های راه‌اندازی کسب‌وکار در بخش کشاورزی را افزایش می‌دهد. این موضوع نقش مهمی در کاهش جذابیت سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی دارد.
 - نبود زیرساخت‌های کافی و فناوری‌های نوین: در دسترس نبودن فناوری‌های به روز در حوضه کشاورزی، عدم نوسازی ماشین‌آلات، بهره‌وری پایین و عدم حمایت‌های لازم از توسعه فناوری در کشاورزی و عدم انتقال دانش از کشورهای توسعه یافته، باعث کاهش کارایی تولید و در نتیجه عدم جذابیت سرمایه‌گذاری در این حوزه می‌شود.
 - مشکلات مالی و اعتباری: دسترسی محدود به منابع مالی و اعتباری، نرخ‌های بهره بالا، تورم مزمن و نبود یارانه‌های هدفمند باعث می‌شود که کشاورزان و تولیدکنندگان نتوانند از فرصت‌های سرمایه‌گذاری بهره کافی ببرند؛ این موضوع در نهایت باعث کاهش جذب سرمایه در این بخش می‌شود.
 - شرایط تحریم و دشواری انتقال منابع مالی بین‌المللی: تشدید تحریم‌ها در سال‌های ۱۳۹۱-۱۳۹۲ و پس از آن از ۱۳۹۷ به بعد، منجر به تشدید کمبود منابع مالی و دشواری در انتقال پول شده است که تمایل و امکان فعالان بخش خصوصی به منظور سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی در اکوسیستم اقتصادی کشور را کاهش داده است.
- ترکیب این عوامل، از جمله ریسک‌های طبیعی، سرکوب قیمت‌ها، موانع قانونی و سیاسی، نبود زیرساخت‌های مدرن، مشکلات مالی و عدم هماهنگی در سیاست‌گذاری‌های کلان، باعث شده‌اند تا بخش کشاورزی به عنوان یکی از حوزه‌های حیاتی اقتصاد، از جذب سرمایه کافی محروم بماند. در مجموع، دوره قبل از ۱۳۹۰ با حمایت‌های دولتی ناشی از افزایش درآمد دولت به واسطه افزایش قیمت نفت، دسترسی آسان به منابع مالی و ثبات نسبی اقتصادی همراه بود که سرمایه‌گذاری را افزایش داد؛ اما از سال ۱۳۹۰ به بعد، تغییرات سیاسی مانند کاهش درآمد نفتی و حمایت‌های دولتی، افزایش تورم و هزینه‌های تولید، تحریم، موانع اداری و نوسانات اقتصادی ناشی از تغییرات نرخ ارز باعث شده‌اند تا فضای سرمایه‌گذاری در اقتصاد کلان کشور و بخصوص در بخش کشاورزی به طور قابل توجهی کاهش یابد.



شکل ۱- موجودی سرمایه، سرمایه‌گذاری و استهلاک بخش کشاورزی به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰- هزار میلیارد ریال

عدم سرمایه‌گذاری مناسب و کافی در بخش کشاورزی ایران می‌تواند پیامدهای چندجانبه و جدی اقتصادی، اجتماعی و امنیت غذایی به همراه داشته باشد که عبارتند از:

- کاهش تولید و بهره‌وری: بدون سرمایه‌گذاری مناسب، نوسازی ماشین‌آلات، ارتقاء فناوری‌های کشاورزی و توسعه زیرساخت‌های لازم به تأخیر می‌افتد؛ که منجر به کاهش کارایی، پایین بودن تولید محصولات کشاورزی و افت بهره‌وری و فشار بر منابع پایه (آب و خاک) و در نهایت تهدید امنیت غذایی کشور در بلند مدت خواهد شد.
- افزایش وابستگی به واردات: با کاهش ظرفیت تولید داخلی، کشور مجبور به واردات محصولات غذایی می‌شود. این وابستگی، هم از نظر اقتصادی (افزایش کسری تجاری) و هم از نظر سیاسی (آسیب به استقلال اقتصادی) پیامدهای منفی دارد.
- ضعف در توسعه زیرساخت‌ها و فناوری: سرمایه‌گذاری ناکافی منجر به عدم توسعه زیرساخت‌های حیاتی مانند سیستم‌های آبیاری، ذخیره‌سازی، فرآوری و حمل‌ونقل محصولات کشاورزی می‌شود. این ضعف زیرساختی باعث افزایش هزینه‌های تولید و کاهش کیفیت محصولات خواهد شد.
- افزایش بیکاری و مهاجرت جمعیت از مناطق روستایی: کشاورزی، منبع اصلی اشتغال در مناطق روستایی است. عدم توسعه این بخش منجر به کاهش فرصت‌های شغلی در روستا و افزایش مهاجرت به شهرها می‌شود که در بلندمدت می‌تواند ساختار اجتماعی و اقتصادی کشور را دچار تغییرات کند.
- کاهش سودآوری و تضعیف رقابت‌پذیری داخلی: عدم نوسازی و کاهش بهره‌وری موجب کاهش سودآوری در بخش کشاورزی شده و سرمایه‌گذاران را از ورود به این حوزه منصرف می‌کند. این وضعیت باعث می‌شود که بخش کشاورزی نتواند در مقابل بخش‌هایی که دارای بازدهی بالاتر هستند رقابت کند و از جذب سرمایه‌های داخلی محروم بماند.



• از دست رفتن مزیت نسبی در بازارهای جهانی: عدم سرمایه‌گذاری کافی در بخش کشاورزی باعث عدم نوسازی و به‌روزرسانی فناوری‌ها، کاهش بهره‌وری و کیفیت محصولات و افزایش هزینه‌های تولید می‌شود. این موضوع به معنای از دست رفتن مزیت نسبی در بازارهای جهانی است؛ زیرا در شرایطی که رقبا با به‌کارگیری فناوری‌های نوین و بهبود فرآیندهای تولید، هزینه‌های تولید را کاهش داده و کیفیت محصولات خود را ارتقا می‌دهند، کشاورزی ایران بدون سرمایه‌گذاری مناسب قادر به رقابت نخواهد بود. در نتیجه، سهم محصولات کشاورزی تولید ایران در بازارهای جهانی کاهش یافته، بازارهای بین‌المللی از دست رفته و کشور بیشتر به صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای همسایه وابسته می‌شود که در بلندمدت جایگاه اقتصادی و استراتژیک ایران را در زنجیره تأمین جهانی تضعیف خواهد شد.

در جمع‌بندی، از دیدگاه بخش خصوصی و با تأکید بر بهبود فضای کسب‌وکار، می‌توان پیشنهادهای عملیاتی جهت توسعه سرمایه‌گذاری در بخش کشاورزی کشور ارائه داد:

• تقویت کشاورزی قراردادی:

- ایجاد چارچوب‌های حقوقی و قراردادی استاندارد جهت تدوین قراردادهای کشاورزی با شفافیت در تعهدات طرفین (کشاورزان و سرمایه‌گذاران/تأمین‌کنندگان فرآوری).
- تدوین سیاست‌های حمایتی جهت قابل پیش‌بینی نمودن روند قیمت محصولات و کاهش ریسک‌های ناشی از نوسانات بازار برای کشاورزان
- ایجاد شبکه‌های ارتباطی بین شرکت‌های صنعتی و کشاورزان قراردادی به منظور انتقال فناوری و بهبود کیفیت تولید.

• تأمین مالی زنجیره تولید:

- ایجاد ابزارهای مالی و اعتباری ویژه جهت تأمین مالی زنجیره تولید، از مرحله تولید اولیه تا فرآوری و بازاریابی؛
- تقویت همکاری‌های بین بانکی و شرکت‌های سرمایه‌گذاری برای فراهم‌سازی تسهیلات به موقع و با نرخ‌های بهره مناسب برای زنجیره‌های تولید؛
- بهره‌گیری از اوراق گام به عنوان یک ابزار نوین برای جذب سرمایه‌های کلان و خرد، با ارائه ضمانت‌های قانونی و تضمین‌های دولتی جهت افزایش اعتماد سرمایه‌گذاران.

• تشویق مشارکت بخش خصوصی:

- کاهش موانع اداری و تسهیل دسترسی به منابع مالی با هدف جذب سرمایه‌گذاری در پروژه‌های مولد؛
- ایجاد فضای رقابتی سالم با تشویق به نوآوری، ارائه مشوق‌های هدفمند به سرمایه‌گذاران؛
- تدوین برنامه‌های منطقه‌ای مبتنی بر آمایش سرزمین که به تفکیک فرصت‌ها و ظرفیت‌های هر منطقه، پل‌های ارتباطی بین دولت و بخش خصوصی ایجاد کند.

• **ایجاد محیط مناسب برای نوآوری و فناوری:** تشویق بخش خصوصی به استفاده از فناوری‌های نوین و دیجیتالی برای افزایش بهره‌وری تولید، از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری.

• **تسهیل دسترسی به منابع مالی و تشویق سرمایه‌گذاری:** جذب سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی از طریق ارائه تضمین‌های حقوقی و مالی، به‌ویژه در بخش‌های مولد مانند کشاورزی و صنعت با کشورهای منطقه.



- تدوین برنامه‌های منطقه‌ای بر مبنای آمایش سرزمین: شناسایی دقیق فرصت‌ها و ظرفیت‌های هر منطقه با همکاری بخش خصوصی و دولت و تدوین برنامه‌های تخصصی که منابع محدود را به بهترین نحو تخصیص دهند.
رویکردهای فوق، با تأکید بر افزایش اعتماد بین بخش خصوصی و دولت و ایجاد فضای رقابتی سالم در میان بخش خصوصی، می‌تواند به عنوان موتور محرک اصلی رشد اقتصادی و تحقق شعار «سرمایه‌گذاری برای تولید در بخش کشاورزی» مورد استفاده قرار گیرد.